

سناریوی زن جنایتکار برای قتل شوهر ثروتمند

2 آبان 1402

زن جنایتکار که با همدستی مرد شیشه‌ای شوهر ثروتمندش را مسموم کرده و کشته بود 7 ماه پس از این اقدام هولناک دستش رو شد.

27 اسفند سال 1401، زن جوانی با اورژانس تماس گرفت و از مرگ همسرش بر اثر مصرف دارو خبر داد. به دنبال این تماس مأموران اورژانس و پلیس وارد صحنه شدند و بررسی‌های اولیه نشان داد که از مرگ مرد 54 ساله چند ساعتی می‌گذرد. از آنجایی که هومن، مرد میانسال سابقه بیماری داشت و خانواده او نیز شکایتی نداشتند، جسد مرد میانسال دفن شد.

در حالی که خانواده هومن تصور می‌کردند پسرشان به خاطر مسمومیت دارویی فوت کرده است، متوجه رفت و آمدهای مشکوک عروسشان شده و پی بردند او با مرد جوانی به نام شایان در رابطه است. با گذشت دو ماه از مرگ مرد میانسال، خانواده هومن که به عروسشان ظنین شده و احتمال می‌دادند او به خاطر روابط پنهانی و تصاحب ثروت زیاد پسرشان، سناریوی جنایت را طراحی کرده باشد و با صحنه‌سازی آن را مرگ طبیعی جلوه داده، به دادرسی امور جنایی تهران رفته و از عروسشان شکایت کردند.

سرنخی از جنایت

با شکایت خانواده هومن، تحقیقات به دستور بازپرس محمد جواد شفیعی آغاز شد و تیم جنایی در تحقیقات روابط زن جوان را زیر نظر گرفتند، از سویی پزشکی قانونی نیز نظریه سم شناسی را اعلام کرد و طبق نظریه کارشناسان مرد میانسال بر اثر مسمومیت با متادون فوت کرده بود. در صورتی که متادون از داروهای مصرفی هومن نبود و این موضوع احتمال جنایت را پررنگ‌تر کرد.

با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهد پلیسی، دستور بازداشت زن جوان و شایان صادر شد. فرنگیس بلافاصله توسط کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت بازداشت و در ادامه معلوم شد شایان که معتاد به شیشه است به اتهام سرقت در زندان است. وقتی متهمان مقابل بازپرس پرونده قرار گرفتند منکر دخالت در مرگ هومن شدند اما با گذشت حدود دو هفته پس از بازداشت، در نهایت فرنگیس و شایان به قتل مرد ثروتمند اعتراف کردند. به دستور بازپرس شعبه پنجم دادرسی امور جنایی تهران، متهمان در اختیار کارآگاهان جنایی قرار داده شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.



گفت‌وگو با مرد شیشه‌ای

با فرنگیس چطور آشنا شدی؟

پدرم بنگاه املاک دارد و 5 ماه قبل از جنایت بود که فرنگیس برای خرید ملکی به بنگاه ما آمد. او یک خودرو گرانقیمت داشت که می‌خواست با یک ملک معاوضه کند همین موضوع باعث آشنایی ما شد و فهمیدم شوهرش خیلی ثروتمند است.

چه شد که تصمیم به جنایت گرفتید؟

فرنگیس مدام از همسرش بد می‌گفت. اینکه بداخلاق است و اذیتش می‌کند. یک روز هم گفت که می‌خواهد او را بکشد. اول سناریوی قتل با اسلحه را پیشنهاد داد، از آنجایی که من نمی‌توانستم سلاح تهیه کنم این سناریو با شکست مواجه شد. بعد گفت چند نفر را اجیر کنیم که به بهانه اختلاف مالی با او دعوا کنند و در خیابان هومن را با چاقو بزنند. اما این نقشه نیز بی‌نتیجه ماند، بعد تصمیم گرفت طوری او را به قتل برساند که مرگ طبیعی جلوه کند. بهترین ایده خوراندن دارو بود، چرا که همسرش به خاطر بیماری دارو مصرف می‌کرد و می‌توانست بگوید زیاد دارو خورده است.

تو برایش قرص تهیه کردی؟

بله، تعدادی قرص خریدم و به فرنگیس دادم و او با من تماس گرفت که سه قرص داخل آبمیوه حل کرده و به شوهرش داده و او را به قتل رسانده است. قرار هم شد تا چند هفته بعد از جنایت باهم در تماس نباشیم که کسی شک نکند. یک ماهی که از قتل گذشت، با این فکر که آب‌ها از آسیاب افتاده است رابطه‌مان را دوباره از سر گرفتیم.

چرا با او همدست شدی؟

از او پول قرض گرفته بودم. روز مرد هم یک ساعت و یک گوشی گرانقیمت به من هدیه داد. فکر کردم اگر کمکش کنم به پول خوبی می‌رسم.

چرا زندان بودی؟

بارها بازداشت شده‌ام. آخرین بار هم بعد از جنایت، سربازی را به عنوان مسافر سوار خودروام کرده و گوشی او را سرقت کرده بودم که دستگیر و به حبس محکوم شدم.

*مرضیه همایونی - ایران